

## رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران

مظفر صرافی\*

به تزايد فقر و شکاف اجتماعی، آلودگی‌های محیطی، برهم خوردن نظام‌های پشتیبان حیات و کاهش منابع طبیعی به سرکردگی شهرهاست<sup>۱</sup>. اما در رسالت پیدایش شهر چنین قراری نبود! شهر در گذر زمان نویدبخش همبستگی و تلاش جمعی در جهت زندگی بهتر برای همه (عدالت درون‌نسلی) و برای همیشه (عدالت بین‌نسلی) بوده است. کشش و گیرایی محیط شهری در برانگیختن حیات مدنی و گفتمان‌هایی بود که شهروند را در مرکز حکمروایی برای «تغییر» و عدم تمکین به «تقدیر» می‌نشانند؛ تعبیری برآمده از اراده و خرد جمعی به سوی آرمانشهر. اینک این انگیزش دچار دگردیسی شده است و گویی شهرها مکان قدرت‌زدایی از شهروندان و برآمدن قدرت‌های بی‌مکانی شده‌اند (کاستلز ۱۳۸۰) که تنها دغدغه‌شان پایایی انباشت سرمایه و نه پایداری اجتماعات است.

شهرهای ایران نیز از این روند جهانی شده مستثنا نیستند و حتی در شکلی جعلی، دچار دگردیسی ناشیانه‌ای هستند که حتی از فواید کارایی الگوی نئولیبرالی این روند بی‌بهره‌اند. اقتصاد رانتی، شهرنشینی نفت‌پایه و مدیریت اقتدارگرا بازدارندگان ساختاری شکل‌گیری

شهر از دیرباز نمایان‌گر عالی‌ترین زیستگاه بشر برای سازماندهی اجتماعی در پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی بوده است، سازمانی با پیچیدگی روزافزون برآمده از فزونی عناصر متشکله و هم‌کنش‌های فضایی. شهر در بستر تاریخ مولود اندام‌وار منطقه‌ای هم‌بسته بوده است که فراویش به سطوح برتر را ممکن می‌ساخته و از این رو، نقش چاووش تمدن را داشته است؛ شهر آزادسازِ باشندگان از غم‌نان و سرآمد در فرهنگ متعالی. لوئیز مامفورد، شهرپژوه بزرگ سده گذشته، در پایان اثر سترگ خود با عنوان شهر در بستر تاریخ می‌نویسد: «مأموریت نهایی شهر این است که مشارکت آگاهانه انسان را در فرایندهای جهانی بیشتر کند» (مامفورد ۱۳۹۳). این به معنای رسالت توانمندسازی اجتماعات در تعیین سرنوشت خویش بر مبنای ارزش‌ها و خواست‌های آن‌هاست.

لیکن شهر امروزین از این توصیف به‌دور افتاده است؛ شهرهایی بنده‌ساز باشندگان در غم مصرف خودخواهانه یاور انباشت سوداگرایانه سرمایه! شهری که دیگر سرآمد فرهنگ متعالی نیست و کانون ناپایداری اجتماعی - اقتصادی و محیط زیستی شده است. نگاهی به آمار و اطلاعات پذیرفته شده بین‌المللی نشان‌دهنده روند رو

sarrafi@sbu.ac.ir

\* دکتری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی ۱- گزارش‌های جهانی بی‌شماری به این روندهای ناپایدارساز اشاره دارند. برای نمونه‌های اخیر، رک.

UN-Habitat (2016), World Cities Report: Urbanization & Development;

Human Development Report: Human Development for Everyone (2016), UNDP (2016). *Habitat III New Urban Agenda*. توجه شود که پایداری شهر در گرو اقداماتی همساز در راستای ایجاد عدالت اجتماعی، زیست‌مندی اقتصادی و تعادل اکولوژیکی است.

جامعه مدنی و حکمروایی شایسته<sup>۱</sup> بوده‌اند (اطاعت و دیگران ۱۳۹۲) که حاصل آن شهرهایی کمابیش همچون روستاهای بزرگ (با ابعاد کمی و کالبدی بیشتر) و با حداقل تفاوت کیفی و اجتماعی شده است. انبوهی مصرف و نوآوری تولید در شهر نمی‌تواند عامل تمایز با روستا محسوب شود، بلکه جایگاه شهروندی و خلق فضایی قابلیت‌افزا و موجد قدرت مردم‌سالارانه در اعمال اراده جمعی باید وجه مشخص آن باشد. کدام شهر در ایران در چنین مسیری است؟!

ناپایداری توسعه کنونی شهرهای کشور آشکار است. به نمونه‌ای از شواهد توجه شود: حدود یک سوم جمعیت شهرها در یک چهارم سطح آن‌ها و در سکونت‌گاه‌های فرودستی زندگی می‌کنند که فاقد معیارهای کرامت انسانی است. این ارقام در طی دهه‌های گذشته افزایش پرشتابی یافته‌اند.<sup>۲</sup> متناسب با افزایش جمعیت فعال، فرصت‌های اشتغال به وجود نیامده است. توزیع درآمد نامتعادل بوده و بهبود نیافته و تعداد فقرا بیش از یک چهارم جمعیت کشور برآورد می‌شود.<sup>۳</sup> کاهش سرانه منابع آب فراهم<sup>۴</sup> و افزایش سرانه مصرف انرژی نگران‌کننده و حاکی از در پیش بودن بحران است.<sup>۵</sup> کوتاه سخن اینکه دگرگونی روال توسعه کنونی شهرهای ایران ضرورتی مبرم است.

### 1- good governance

۲- از حدود ۱.۵ میلیون نفر جمعیت سکونت‌گاه‌های فرودست (slums) در سال ۱۳۵۵ به حدود ۲۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵.  
۳- رئیس کمیته امداد (۸ اسفند ۱۳۹۵): در حال حاضر ۸۱۲ هزار تومان حداقل حقوق است که با این احتساب، ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر مطلق هستند و اگر یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حداقل حقوق باشد، این رقم بیشتر هم می‌شود. دو استاد برجسته اقتصاد: دکتر حسین راغفر (۲۶ تیر ۱۳۹۵): تعداد فقیران در جمعیت ایران به بیش از ۴۰ درصد رسیده است؛ دکتر ابراهیم رزاقی (۲ آذر ۱۳۹۵): در کشور، ۱۲ میلیون بیکار و ۳۰ میلیون فقیر وجود دارد (بر مبنای اخبار رسمی).  
۴- رئیس ستاد مدیریت بحران کشور در جلسه شورای هماهنگی مدیریت بحران استان یزد (۲۷ دی ۱۳۹۵): از مجموع ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب موجود در سطح کشور، ۳ درصد صرف شرب، ۷ درصد صرف صنعت، و ۹۰ درصد صرف کشاورزی می‌شود. معاون وزیر کشور، با بیان این‌که در سال گذشته ۵۲۰ شهر کشور با تنش آب شرب مواجه بوده‌اند: ۷ هزار و ۵۰۰ روستا نیز با تانکر آبرسانی شدند، اما به نظر می‌رسد به‌زودی منابع آبی برای پر کردن این تانکرها وجود نداشته باشد تا بتوانیم ماندگاری را در روستاها رقم بزنیم.

۵- تحقیقات نشان می‌دهد که هر ۱۰ سال یک بار میزان مصرف سوخت در ایران ۲ برابر می‌شود، در حالی که میزان سوخت مصرفی جهان در حدود هر ۴۰ سال یک بار ۲ برابر می‌شود. همچنین سرانه انتشار دی اکسید کربن (عامل اصلی گرمایش زمین ناشی از مصرف انرژی فسیلی) در سال ۱۹۶۰ در ایران ۱.۷ تن بوده که این میزان در سال ۲۰۱۱ به رقم ۷.۸ تن رسیده که حدود یک و نیم برابر میانگین جهانی است. به گفته سازمان بهره‌وری انرژی کشور، میزان مصرف برق در ایران سالانه ۸ درصد رشد دارد که طبق استانداردهای جهانی باید ۳ درصد باشد و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۰۴، همه نفت خام تولید شده در کشور صرف مصرف داخلی خواهد شد و سهمی برای صادرات باقی نمی‌ماند!

برای تحقق دگرگونی گفته شده، ابتدا لازم است بینش و نیروهای سبب‌ساز تولید فضای ناپایدار را شناخت و کنار گذاشت و رهیافت برخاسته از بینش پایداری شهر را جانشین آن کرد. در بینش کنونی مدیریت شهری ایران به نظر می‌رسد غلبه با اتکا بر محرک‌های اقتصادی برون‌زایی است که کالبدی نوواره (مدرن) برپا سازند و تصور می‌شود از این طریق کیفیت زندگی برتری به وجود می‌آید که به نوبه خود می‌تواند رضایت شهروندی و شاید ترقی سیاسی شهرداران را به بار آورد! آنچه در این بینش و منش به فراموشی سپرده شده این است که اگرچه شهر به «صورت» بَک شود لیک «سیرت» آن همچنان دور از رسالت تاریخی آن است. تولید فضای نوین شهرهای کشور، و در صدر آن کلانشهرها، ناشی از نیروهایی است که از اجتماعات محلی<sup>۶</sup> منفک شده و عرصه‌های عمومی و حقوق شهری را کالایی ساخته‌اند<sup>۷</sup> و این کالا قابلیت خرید و فروش برای انباشت سوداگرانه سرمایه را دارد. مصداق‌های بارز این کالایی شدن در تهران فروش تراکم ساختمانی، ساخت مراکز خرید بزرگ یا مال‌سازی، و تقدم خودرومحوری و بزرگراه‌سازی است.

در فقدان تولید اجتماعی فضا، کیفیت زندگی نمی‌تواند برای همگان و در نتیجه پایدار باشد. مقصود از تولید اجتماعی فضای شهری آن است که رأی و نظر تمامی کنشگران توسعه در فرایند تولید فضای شهر شرکت مؤثر داشته باشد. این در واقع تأمین «حق به شهر»<sup>۸</sup> است که به معنای حق شهروندان در تولید فضایی است که دیگر منفعل و صرفاً محصول دیگر نیروها تعبیر نمی‌شود (پیران ۱۳۹۴)؛ فضایی که باشندگان شهر را تعیین می‌بخشد باید توسط ایشان نیز تعیین شود (صرافی و دیگران ۱۳۹۴). بر این سیاق، برپایی حکمروایی شایسته برای اداره شهر اقدامی بنیادی و سبب‌ساز شکل‌گیری شهر دربرگیرنده است. آیا تردیدی هست که اگر همگان در تولید فضای شهر دخیل باشند و خرد جمعی به کار گرفته شود، فضایی از نوع دیگر و

### 6- local communities

۷- برای مفهوم «فک‌شدگی» و نیز «حک‌شدگی» نهاد اقتصادی در زمینه اجتماعی کنونی، رک. پولانی ۱۳۹۱.

### 8- right to the city

پایداری دستاورد آن است؟

در این چارچوب نظری، هنگامی که از رهیافت نوینی به نام بازآفرینی شهری سخن می‌رانیم، باید آن را در مسیر چاره‌جویی ناپایداری‌های کنونی توسعه شهری در ایران و در حکم دگرگون‌کننده الگوی متداول توسعه اجتماعی - اقتصادی و محیطی شهر و نه صرفاً اقداماتی محدود در محدوده‌های کالبدی به کار گیریم. در اقدامات متداول مدیران شهری کشور به نام نوسازی و گاه بازآفرینی، ساخت و سازهایی افاده‌فروش و نمایشگری در ترویج فرهنگی بیگانه مشاهده می‌شود که ربطی به ریشه‌های ایران شهری ندارد. اگر باور داریم کاربست بازآفرینی شهری برای تحقق پایداری توسعه شهری در کشور است، هدایت‌گر آن باید اندیشه ایران شهری باشد.

درک من از اندیشه ایران شهری بسیار ساده و کلی است. ایرانیان با تهاجم‌های خانه‌برانداز اقوام گوناگون در گذر زمانی چند هزار ساله رویارو بوده‌اند که گاه قرن‌هایی تحت سلطه قرار گرفته‌اند، و نیز در محیط طبیعی ناسازگار و اکولوژی شکننده‌ای با بلایا و محدودیت‌هایی که گاه نابودی و کوچ‌های عظیم به بار آورده است استقرار داشته‌اند. با این حال همچون تافته‌ای جدابافته (به تعبیر دکتر شایگان) تمدن خود را در گیتی نگاه داشته‌اند و هر بار قنقوس‌وار از ویرانی سر برآورده‌اند. خردمایی این زیست‌ماندگار همانا اندیشه ایران شهری است که حکمتی برای هم‌آوردی و همزیستی با بیگانگان و نیز سازگاری با طبیعت پیرامون است؛ حکمتی که به فراخور محیط جغرافیایی و اجتماعی در بستر تاریخ و به رغم گسست‌های مقطعی، حوزه فراگیر تمدنی ایجاد کرده است که «ایرانیت» در آن، تمایز قومیتی را به وحدتی در کثرت رسانده است (اشرف ۱۳۹۵: فصل ۱). این اندیشه در ورطه ملت‌پرستی برتری‌جویانه و ستیز با غیر نمی‌افتد، بلکه به همدلی و همزیستی مهرورزانه در جهان باور دارد. در این حکمت «حیرت‌زدگی کور در برابر غرب» و نیز شیطان‌سازی کارآفرین در چپ‌زدگی وجود ندارد (شایگان ۱۳۹۴). دغدغه امروز ما ناپایداری شهرهاست زیرا با احساس حقارت در برابر نوآوری غربی، راز ماندگاری

این حکمت ایران شهری را بر باد داده یا از یاد برده‌ایم.<sup>۱</sup> باور به هدایت‌گری اندیشه ایران شهری در بازآفرینی شهری ناشی از این استدلال است.<sup>۲</sup> بدین سان، فروکاستن بازآفرینی شهری به برپایی بی‌مایه چند پروژه پرچمدار الگوی توسعه ناپایدار کنونی در کلان‌شهرها، کژفهمی و انحرافی است که فرصت شالوده‌ریزی الگویی نوین برای توسعه پایدار شهرهای ایران را بر باد می‌دهد. از این رو در ادامه، اصول و قواعد زیر برای آنچه از نظر نگارنده این نوشتار، رهیافت رادیکال بازآفرینی شهری است و برای پیگیری بر مشکلات ناپایداری توسعه ایران رهگشاست به کوتاهی بیان می‌شود. از آن جا که حل بنیادی مشکلات ناپایداری شهرهای کشور در گرو کاربست الگوی متفاوت و نوینی از توسعه است، بازآفرینی شهری با طراحی کالبدی ابرپروژه‌های ساختمانی<sup>۳</sup> و راه‌هایی از این دست شروع نمی‌شود که در واقع اصرارشان بر به‌کارگیری الگوی کنونی توسعه در سیمایی نو و با فعالیت‌های جدید است. این گونه اقدامات که بیشتر با مرکز خرید/مال‌سازی و اعیان‌سازی<sup>۴</sup> در محدوده‌های متروکه و فقرزده شهر رخ می‌نماید، بازگشایی بازارهای شهر به روی سرمایه سوداگر و برون‌زایی است که حتی در صورت ایجاد رونق در کوتاه مدت، برای شهر در دراز مدت ناپایداری به‌بار می‌آورد. دگرگونی رهیافت صرفاً سخت‌افزاری/مهندسی و پروژه محور کنونی به تقدم رهیافت نرم‌افزاری/فرهنگی و اجتماع محور باید از ارکان بازآفرینی شهری باشد.

«بازآفرینی شهری رادیکال» برای هدف قرار دادن نیروهای ایجادکننده ناپایداری، با راه‌اندازی فرایند حکمروایی شایسته، ابتدا با مشارکت تمامی کنشگران شهری به ایجاد دگرگونی و بسیج منابع اجتماعی - اقتصادی برای راه‌حل‌های متفاوت می‌پردازد که برآیند آن در بعد کالبدی متجلی می‌شود. این رهیافت که اولویت را به باشندگان شهر و درون‌زایی

۱- علاقه‌مندان به اندیشه ایران شهری برای نمونه به کتاب‌های دیباچهای بر نظریه انحطاط ایران و درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران تألیف دکتر سیدجواد طباطبائی و نیز سخنرانی‌های دکتر عباس آخوندی در دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی به ترتیب در اردیبهشت و بهمن ۱۳۹۴ و همچنین سلسه نشست‌های خانه گفتمان شهر و معماری ([http://udrc.ir/single-post.aspx?id\\_content=1013350](http://udrc.ir/single-post.aspx?id_content=1013350)) مراجعه کنند.

۲- هرچند واژه «شهر» در این اندیشه اشاره به سپهر فرهنگی ایران زمین است، همان گونه که در ابتدا اشاره شد، زیستگاه شهری را باید چاووش دگرگونی بزرگ به سوی پایداری دانست و شهر در اندیشه ایران شهری، کانون بازخوانی حکمت دیرین ما و ترویج الگوی نشئت گرفته از آن است.

3- megaprojects

4- gentrification

توسعه می‌دهد، منافاتی با استفاده از سرمایه خطرپذیر<sup>۱</sup> و محرک‌های بیرونی ولی پیوندخورده با اجتماعات محلی و پاسخ‌گو به آن‌ها ندارد.<sup>۲</sup> خلاصه آن که **بازآفرینی شهری رادیکال با فرایند و نه برآیند<sup>۳</sup> برنامه‌ریزی آغاز می‌شود و این فرایند باید از قواعد حکمروایی شایسته برخوردار باشد و برآیند نیز باید با معیارهای توسعه پایدار سازگار باشد.**

در رهیافت رادیکال بازآفرینی شهری، اقدامات باید در محدوده‌ای مشخص از شهر و به طور عمده کالبدی و در عین حال، همچون سلول‌های بنیادی<sup>۴</sup> القاکننده و مولدِ باقی ارگانسیم شهر بر پایه الگویی نوین باشد. هدف، درمان گسست از زیست‌مایه پایدار این سرزمین (همانا اندیشه ایران شهری) است که با بسترسازی در واحدهای فضایی کوچک برای بروز نیروهای تولید فضای شهری از نوع دیگر در بازآفرینی پیگیری می‌شود. به این سبب بازآفرینی، اجرای پروژه‌های نمایشی و نام‌آر سازی<sup>۵</sup> برای اعلام جهانی شدن نیست که جهانی شدن بی‌مه‌ار و معیار، گسترش همان الگوهای ناپایدار سازی است که جهان را به‌ویژه در جوامع پیرامونی به بحران کشانده است.<sup>۶</sup> فرش قرمز انداختن برای ابرپروژه‌هایی که سرمایه‌های هرزه‌پا<sup>۷</sup> بدون تعهد به اجتماعات و محیط پذیرایشان، آن‌هم در فقدان حکمروایی شایسته برپا می‌سازند موجب تباہ‌سازی<sup>۸</sup> و نه بازآفرینی<sup>۹</sup> شهر می‌شود و بازدارنده بازگشت به شالوده ایران شهری است.

### 1- venture capital

۲- حکمروایی شایسته همانا نظام تصمیم‌گیری در حوزه عمومی با معیارهای مشارکت‌جویی، مردم‌سالاری، دربرگیرندگی، توافق جمعی، انصاف، قانون‌مندی، شفافیت، کارایی، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری است. چیرگی بر بیعدالتی فضایی در شهرها از طریق ایجاد ظرفیت برابر و فرصت منصفانه در دسترسی همه به منابع و دستاوردهای توسعه در حکمروایی شایسته به منصف ظهور خواهد رسید. مدیریت شهری وظیفه مهم بسترسازی این فرایند را در بازآفرینی بر عهده دارد.

### 3- product

### 4- stem cells

### 5- branding

۶- این فرایند فرصت‌هایی مانند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد اشتغال بنا بر تقاضای جهانی، و انتقال فناوری را برای شهرها فراهم کرده است، لیکن تهدیدهای جدی متوجه پایداری اجتماعات محلی است. این تهدیدها برآمده از بازساخت شهر برای ورود عوامل جهانی شدن است که فاقد تعهد و پاسخ‌گویی به اجتماعات محلی هستند و در نهایت به حضور انسان‌هایی در «مکان‌های بی‌قدرت» با ظهور «قدرت‌های بی‌مکان» ختم می‌شود. پیامدهای این فرایند، عدم دربرگیرندگی اجتماعی، فقرزایی ساختاری، ته کشیدن منابع و تخریب و تنزل محیط‌زیست است. در این زمینه باید توجه داشت که مشکلات توسعه‌نیافتگی شهرها تنها با سرمایه‌گذاری رفع نمی‌شود بلکه در بیتدبیری مدیریت در مه‌ار و هدایت آن‌ها در مسیر توسعه پایدار، توسعه‌نیافتگی بازتولید خواهد شد.

### 7- footloose

### 8- degeneration

### 9- regeneration

بنابر پیمایش‌های رسمی در ایران، ۴۹۵ شهر با ۱۳۰ هزار هکتار مساحت شامل ۲۷۰۰ محله در معرض انواع مخاطرات جدی طبیعی و دچار کمبود شدید خدمات شهری، بدمسکنی و آسیب‌های اجتماعی هستند (ایزدی ۱۳۹۵). چاره‌جویی ارتقای سطح زندگی این وسعت و جمعیت عظیم با راه‌حل‌های گذشته، که عمدتاً بر محور بخش دولتی و با عملیات مهندسی بوده است، نه به لحاظ کمیت توانسته دربرگیرنده همگان باشد و نه به لحاظ کیفیت توانسته رضایت ساکنان را موجب شود. از این رو ضرورت دارد رهیافت نوینی به کار گرفته شود تا از سویی بتواند بسیج منابع مردمی و استفاده کارآمد از منابع عمومی را سبب شود و از سوی دیگر به توانمندسازی اجتماعات شهری برای خودگردانی محلی و نهادینه شدن حکمروایی شایسته که کلید بازآفرینی شهر پایدار ایرانی است بینجامد.

با این توصیف، بازآفرینی شهری رادیکال به توسعه محله‌ای بر بنیان اجتماع محلی ساکن در آن در طی فرایندی مشارکت‌جویانه می‌پردازد. از این رو، تسلط اجتماع محلی بر محتوا و محیط زندگی خود افزایش می‌یابد و در واقع، فرایند دگرگونی اجتماعی - اقتصادی منجر به به‌گشت کالبدی محله می‌شود. راه‌حل در ایجاد فضای بازخیزنده اجتماع محلی با علائق و درک سرنوشت مشترک در برابر کنش‌های ناپایدار ساز است؛ زیرا در وضعیت کنونی که با کاهش منابع حیاتی، افزایش عدم تعادل اکولوژیکی و کاهش همیاری در رقابت‌های حذفی مواجه هستیم، تنها راه بقای جمعی در همبستگی‌های اجتماع محلی است. تولید اجتماعی فضای بدیل ایران شهری بر شالوده اجتماع محلی در مقیاس‌های کوچک، همان گونه که شوماخر (۱۳۸۹) در کتاب کوچک زیباست بنیان آن را ترسیم می‌کند، هرچند در شبکه‌های فراگیر و کهکشانی از دگرسازی‌های کوچک، منتهی به دگرگونی بزرگ خواهد شد که نویدبخش همزیستی همیارانه<sup>۱۰</sup> در ایران شهر پایدار است (برای بحث بیشتر، رک. صرافی ۱۳۹۴).

فشرده سخن این‌که بازآفرینی شهری برای چیرگی بر ناپایداری توسعه شهری در ایران در صورتی ضروری است که با رهیافتی رادیکال به تولید فضایی برآمده از راز ماندگاری این مرز و بوم که همانا اندیشه ایران شهری است بینجامد در این مسیر، برقراری حکمروایی شایسته‌ای که دربرگیرنده اجتماعات

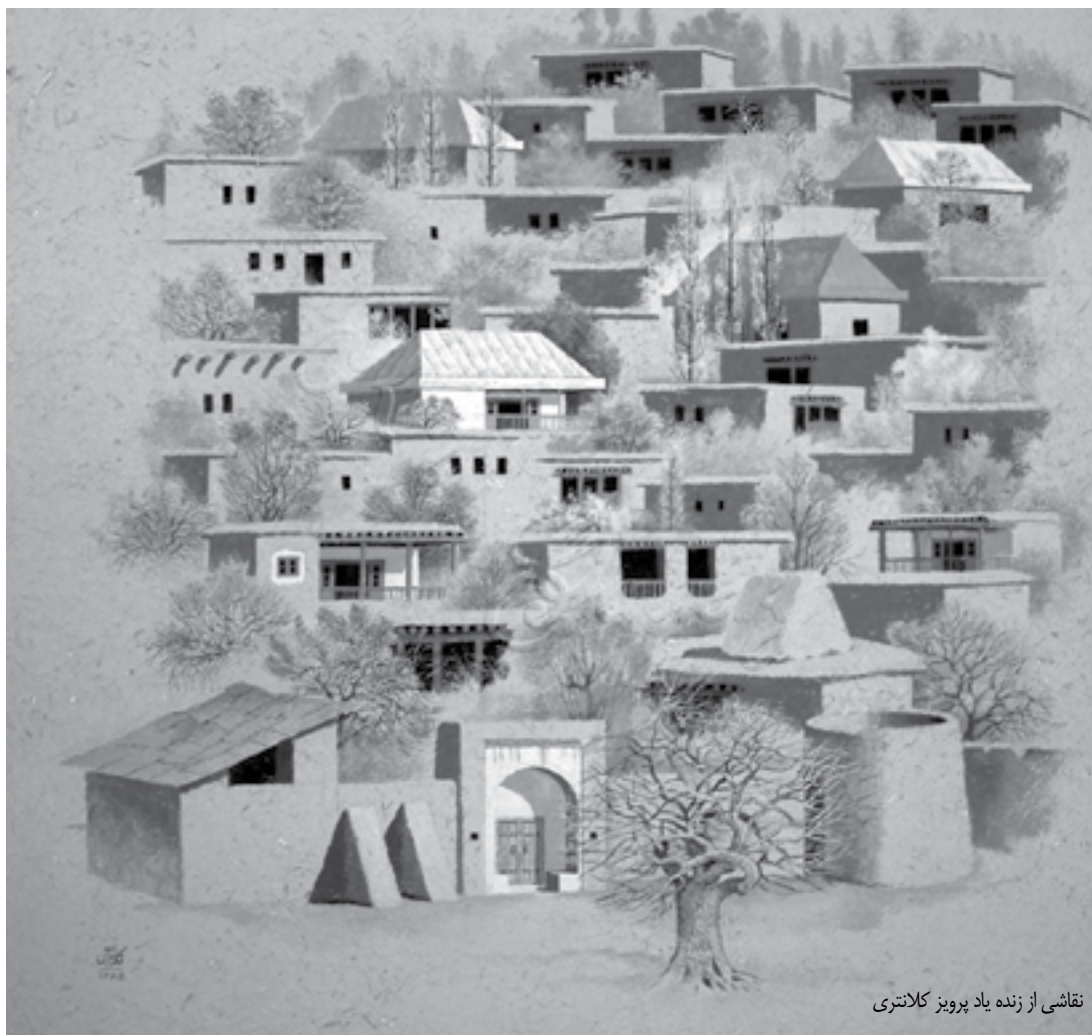
10- collaborative co-existence

- پولانی، کارل. (۱۳۹۱). دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما. ترجمه محمد مالجو.
- پیران، پرویز. (۱۳۹۴). «سخن آغازین: حق مشخص به شهر مشخص». هفت شهر ۴۹-۵۰.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۴). «ایران همیشه یک امپراتوری بوده است» (گفت‌وگو). مهرنامه ۴۵.
- شوماخر، ارنست فریدریک (۱۳۸۹) کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی. ترجمه علی رامین. انتشارات سروش.
- صرافى، مظفر. (۱۳۹۴). «توسعه فضایی پایدار در پرتو اندیشه ایران شهری». بازیابی در:

<http://udrc.ir/UserFiles/file/Meeting%2010.pdf>

- صرافى، مظفر، محمد شالی، علی محمدنژاد، محمد اسکندری ثانی، زهرا خدابخشی، منصور سلیمانی. (۱۳۹۴). پایداری شهر ایرانی: کنسوکاو در چالش‌ها و نقش برنامه‌ریز توسعه شهری. تهران: نشر علم.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات. جلد سوم: پایان هزاره. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
- مامفورد، لوئیز. (۱۳۹۳). شهر در بستر تاریخ. ترجمه احمد عظیمی بلوریان. تهران: رسا.
- اشرفه احمد. (۱۳۹۵). هویت ایرانی. از دوران باستان تا پایان پهلوی. تهران: نشر نی.
- اطاعت، جواد، محمود سربخ، بهروز هادی زنوز، فرهاد دژپسند، و مظفر صرافى. (۱۳۹۲). مبانی توسعه پایدار در ایران. تهران: نشر علم.
- ایزدی، محمدسعید. (۱۳۹۵). «۹ گام کلیدی در تبیین، توسعه و اجرای سیاست بازآفرینی شهری». روزنامه دنیای اقتصاد (۲۸ اسفند).

منابع:



نقاشی از زنده یاد پرویز کلانتری